

پدیده کودکان خیابانی و

راهکارهای مقابله با آن

۱۳۹۸

Children on the Street

children of the street

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کودکان خیابانی در کشورهای مختلف اصطلاح ویژه خود را دارند. در انگلستان به آنها *Street children*، در آمریکا *Street Kids* و *Street Cats* و در ایتالیا و سومالی *Children of tunnels* بچه‌های تونل (مترو) می‌گویند. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که واژه «کودکان خیابانی» در دهه ۱۹۸۰ برای تشریح کودکانی به کار رفت که اکثر اوقات خود را در خیابان‌ها با مشاغل مختلف سپری می‌کردند. طبق تعریف یونسف^۱ کودکان زیر ۱۸ سال که عمده وقت خود را بدون سرپرستی و نظارت بزرگسالان به مشاغل رده پایین می‌گذرانند، «کودکان خیابانی» خوانده می‌شوند. در بررسی سیر تاریخی پدیده کودکان خیابانی در جهان و ایران به این نتیجه می‌رسیم که این پدیده در اعصار گذشته نیز وجود داشته است؛ با وقوع انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ سیر هجوم روستائیان به شهرها برای کار در کارخانه‌ها و درآمد بیشتر آغاز شد. این امر موجب حاشیه‌نشینی برخی از افراد جامعه گشت که یا بیکار ماندند یا به جهت عائله‌مندی و عدم مهارت کافی درآمد مناسبی پیدا نکردند. در این شرایط، کودکان ولگرد و متکدی قارچ‌گونه در شهرهای بزرگ رشد و نمو کردند. رد پای اینگونه کودکان را در ادبیات رئالیست اروپا مانند «الیورتویست» قهرمان داستان‌های چارلز دیکنز و «گاوروش» شخصیت رمان بینوایان می‌توان یافت، که

۱- صندوق کودکان سازمان ملل

زندگی آنان شبیه کودکان خیابانی امروز است. در سال ۱۹۴۹ کنفرانس بین‌المللی کارشناسان و مدیران جوامع اطفال در بلژیک به موضوع کودکان خیابانی پرداختند و دکتر «ژان شازال» قاضی دادگاه اطفال فرانسه در سخنرانی خود تحت عنوان دسته‌های ضداجتماعی اطفال و بازگشت دادن آنها به محیط و جامعه از اصطلاح «کودک کوچه» استفاده می‌کرد.

در این کنفرانس «ونتورینی» محقق ایتالیایی سخنرانی خود را تحت عنوان «اطفال کوچه» ارائه داد و در آن به ذکر عواملی که موجب رها شدن کودکان در خیابان و ولگردی آنان می‌شود، پرداخت (افتخاری، ۱۳۴۷، ص ۲۳، ۲۴ و ۲۷).

در سال ۱۹۵۰ یونسکو مباحث ارائه شده در این کنفرانس را در نشریه‌ای تحت عنوان «کودک ولگرد» به چاپ رسانید.

بیشتر این کودکان در کشورهای در حال توسعه هستند. آمار دقیقی از کودکان خیابانی در ایران وجود ندارد، ولی تعداد آنها بیش از ۱ میلیون نفر تخمین زده شده است (محمودی، ۱۳۷۷، ص ۴). معمولاً سن این کودکان از ۵ تا ۱۸ سال است. این سن بر حسب سن خروج از قیمومت یا حضانت در کشورها تغییر می‌کند.

Children of Street اغلب آنتی سوسیال (ضداجتماعی) اند؛ زیرا در محیط آشفته خانوادگی یا محیط‌های غیراجتماعی، بزرگ شده‌اند و جامعه نگرش مثبتی به آنها ندارد. غالباً مورد خشونت والدین یا مأموران دولتی قرار می‌گیرند و دارای شخصیتی متزلزل و معمولاً فاقد حس قدرشناسی هستند؛ از هر قاعده و قانونی گریزانند و معمولاً بطور متناوب از خانه یا مدرسه می‌گریزند و براحتی یکدیگر را در خیابان یافته، تشکیل گروه یا باند را می‌دهند و باند آنها از آنها حمایت مادی و معنوی می‌نماید؛ همان امری که در محیط خانواده، تحصیل و جامعه بدان توجهی نشده است. آنها معمولاً دارای رفتاری پرخاشگر هستند و اعمال مجرمانه آنها را می‌توان نوعی انتقام از جامعه و خانواده دانست. کودکان خیابانی در صورت محبت و جلب اعتماد، به دلیل کم سن بودنشان قابل اصلاح و بازپروری هستند.

در ۱۹۹۷ تعریف دیگری از یونیسف صادر شد که بنا بر آن، «کودک خیابانی» به کودکانی گفته می‌شود که «در شهرهای بزرگ برای ادامه زندگی خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان‌ها بودند» به نظر می‌رسد نقدی بر این تعریف نیز وارد باشد؛ چرا که کودکانی در خیابان‌ها هستند که به اختیار خود در خیابان کار می‌کنند نه زندگی؛ ولی قسمت عمده‌ای از وقت آنها در خیابان سپری می‌شود. به نظر من «کودک خیابانی» به کودکی گفته می‌شود که «در سنین زیر ۱۸ سال اوقات خاصی از عمر خود را تنها یا به صورت جمعی در خیابان‌ها گذرانیده و به خاطر امرار معاش مجبور به انجام کارهای پست بوده است.» یونیسف کودکان خیابانی را در ۴ گروه تعیین می‌نماید:

۱. کودکانی که تنها نگرانی آنها بقا و پناه می‌باشد و در خیابان‌ها زندگی می‌کنند.
۲. کودکانی که از خانواده خود جدا شده، در اماکن مختلف مثل کانون‌ها و ساختمان‌های متروکه یا با دوستان زندگی می‌کنند.
۳. کودکانی که ارتباط خود را با خانواده‌هایشان حفظ نموده‌اند، ولی بدلیل فقر و عائله زیاد خانواده و سایر عوامل، بیشتر روزها و بعضی شبها را در خیابان می‌گذرانند.
۴. کودکانی که تحت مراقبت مؤسسه‌ای هستند و از وضعیت بی‌خانمانی درآمده‌اند یا به علت ارتکاب جرایمی در کانون‌های اصلاحی بازداشت هستند.

با بررسی این ۴ گروه می‌توان گفت گروه چهارم معمولاً به دلیل اینکه تحت نظارت مؤسسات و کانون‌ها هستند، خیابانی محسوب نمی‌شوند و شاید بتوان گفت این کودکان دو گروه عمده هستند:

- ۱- کودکان در خیابان^۱ که مراد از ایشان همان کودکان گروه سوم است.
- ۲- کودکان خیابان^۲ که معروف به کارتن خواب‌ها، قطار خواب‌ها و سینما خواب‌ها هستند.

^۱ -Children on the street

^۲ -Children of the street

خانه‌گریزی یا فرار کودکان از خانواده به عنوان یک پدیده اجتماعی و جهانی، پژوهش‌های متعددی را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۹۹۳ شمار این قبیل کودکان در سراسر جهان بیش از یکصد میلیون نفر برآورده شده بود. خانم باربارا برینک^۱ در مطالعات تحقیقاتی خود براساس نتایج مطالعات جهانی تا سال ۱۹۹۵ عوامل مؤثر در بروز و تقویت این پدیده اجتماعی را به چهار دسته اصلی تقسیم می‌کرد:

۱. عوامل ریشه‌ای اجتماعی مانند مشکلات و فقر اقتصادی، ناآرامی سیاسی، رشد سریع جمعیت، بیکاری، بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله

۲. عوامل زمینه‌های اجتماعی مثل توزیع، ناعادلانه منابع و خدمات و شرایط نامطلوب

کاری

۳. عوامل مستقیم مثل خانواده‌های بزرگ و فقیر، نرخ بالای طلاق، اعتیاد به الکل و بدرفتاری جسمی روانی در خانواده، فقدان توجه و عاطفه در خانواده، میزان بالای بیکاری، سطح پایین تحصیلات والدین.

۴. عوامل دیگر مانند کمک کودکان به معیشت خانواده، طرد کودکان توسط خانواده‌ها، ترک خانه به خاطر بدرفتاری خانواده.

به نظر می‌رسد دسته چهارم علل و عوامل در بین سه عامل دیگر قابل تقسیم است. او مشاغل مختلفی را برای کودکان خیابانی ترسیم می‌نماید مانند فروش بلیط، گل، روزنامه، آدامس و کار در کارخانه‌ها، شستشوی اتومبیل، نگهبانی اتومبیل و بالاخره دزدی، گدایی، فروش مواد مخدر و فحشاء.

این بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان کار اینگونه کودکان بیش از ۸ ساعت در روز است. آنها در برخی کشورها مثل فیلیپین، هندوستان و برزیل به ترتیب ۶ تا ۱۴ ساعت، ۲۵ تا ۳۵ ساعت و ۲۰ تا ۴۸ ساعت در هفته به کار اشتغال داشته‌اند (Sorell Ruth, 1997, PP. 17-20).

^۱ Barbara Brink

شاید بتوان گفت مشکلات زندگی خانوادگی و مشکلات ناشی از عوامل اجتماعی این کودکان را به سوی بزهکاری و کارهای خلاف هدایت می‌کند که فقر یکی از مهمترین این مشکلات است.

براساس آمارها و شواهد موجود به نظر می‌رسد که کودکان خیابانی موجود در آمریکای جنوبی بیشتر از هر جای دیگر جهان در معرض اعمال خشونت‌آمیز قرار دارند. ابعاد وحشتناک اعمال خشونت علیه این کودکان توسط مقام‌های رسمی در کشور برزیل تا آنجا گسترده است که دولت برزیل در سال ۱۹۹۳ در پاسخ به گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد قتل کودکان خیابانی اظهار داشت که دولت برزیل بخوبی آگاه است که کشتار کودکان خیابانی یک پدیده جدید نیست و عناصر مشخصی از سیاست ممکن است در فعالیت‌های جوخه‌های مرگ دخالت داشته باشند (Sorell Ruth, 1997, PP. 1,2).

البته باید متذکر شد که نادیده گرفتن حقوق کودکان خیابانی و آزار و اذیت آنها و عدم توجه به رعایت حقوق حقه آنان منحصر به آمریکای لاتین نیست؛ بلکه در بیشتر ممالک دنیا به چشم می‌خورد. بسیاری از کودکان خیابانی تحت سیطره افرادی سودجو به شکل باندهای بزرگ برای مقاصد خاص مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند که نبود مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی مناسب فرهنگی و اقتصادی در پیدایش این پدیده شوم دخالت دارد. مهم‌ترین عوامل ظهور این پدیده را فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، عدم آگاهی افراد، اعتیاد والدین، طلاق والدین و مشکلات زندگی و خانوادگی می‌توان دانست؛ البته در کنار این عوامل از بی‌برنامگی، بی‌مسئولیتی سازمان‌ها و مراکز ذی‌ربط و نداشتن برنامه‌های توسعه‌ای مناسب، ضعف مدیران و عدم حمایت از خانواده‌های کم درآمد و آسیب‌پذیر که نقش بسزایی در افزایش کودکان خیابانی دارند، هم نمی‌توان گذشت.

کودکان جزء اولین قربانیان نظام طبقاتی و پایه‌های اینگونه نظام‌ها هستند. آنها قربانی نظام آموزشی - بهداشتی و تربیتی اشتباه که بیشترین اثر را بر روی آنها گذاشته، می‌باشند. تحولات سیاسی اجتماعی - اقتصادی در قرن بیستم، نظام‌های حقوقی اجتماعی کشورهای جهان را با دگرگونی‌های فراوانی مواجه نموده است و این تحولات منشأ بسیاری از پیامدهای حقوقی اجتماعی جهان بخصوص در کشورهای در حال توسعه شده است. جنگ، لشکرکشی و

افکندن بمب بر سر زنان و کودکان بی‌گناه هر روز آثار تخریبی جدیدی به ارمغان می‌آورد و خانواده‌های زیادی را بی‌سرپرست، آواره و غریب می‌کند. جنگ‌های دهه گذشته بیش از ۲ میلیون کودک قربانی گرفته و بیش از ۱۳ میلیون کودک بی‌سرپرست به جای گذاشته است. طبق آمارهای جهانی، $\frac{1}{5}$ جمعیت جهان، کودکان بین ۸ تا ۱۰ سال هستند و کودکان خیابانی از محروم‌ترین گروه کودکان هستند که از بیشترین حقوق خود بی‌بهره‌اند. حق برخورداری از تغذیه، پوشاک، بهداشت، مسکن مناسب، حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش، حق برخورداری از زندگی با پدر و مادر، حق استفاده از اوقات فراغت، حق برخورداری از تأمین اجتماعی و در نهایت حق زندگی سالم و انسانی از آنان سلب شده است.

سازمان بین‌المللی کار در گزارشی اعلام کرده که بیش از ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در جهان به کار اجباری و بردگی مشغول هستند. در این گزارش نقل شده ۷۳٪ کودکان کارگر جهان هم‌اکنون در بدترین نوع شرایط کار نظیر کار الزام‌آور، قاچاق مواد مخدر و کالا، سوءاستفاده جنسی و نیز کارهای مخاطره‌انگیز فعالیت می‌کنند.

«کارول برامی» مدیر اجرایی یونیسف طی سخنرانی گفت: برای رفع این پدیده خطرناک در جهان نیازمند آن هستیم که رهبری قاطعی از دولت‌ها ببینیم. براساس بررسی‌های پزشکی قانونی غالب کودکان ولگرد خیابانی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند و بناچار تن به هر کاری داده‌اند (دوانلو، ۱۳۸۱، ص ۱۲). دکتر فرجاد روانشناس اجتماعی می‌گوید: آمارهای کودکان خیابانی غیرواقعی هستند و در نقاط گوناگون تهران بیش از ۲۰ هزار کودک شاغل وجود دارد که روزانه ۱۵۰ نفر از آنها جان خود را از دست می‌دهند. باندهای سودجو با چتر حمایت از کودکان محتاج آنها را جذب نموده، به مشاغل غیر اخلاقی و غیرقانونی وامی‌دارند (مهدوی، ۱۳۸۱، ص ۱).

کودکان خیابانی از ۶/۳۰ تا ۷ صبح لغایت ۹ تا ۱۰ شب مشغول کار هستند. زیرا از سوی والدین و صاحب‌کاران، مقدار فروش روزانه آنان از قبل تعیین شده است و این

فرشتگان کوچک محروم با تلاش ۱۲ ساعته در روز سعی می‌کنند به این حد نصاب دست یابند. در نتیجه مجبورند با اصرار زیاد اجناس خود را به مشتریان بفروشند.

کار و اشتغال کودکان معضلی فراگیر در سراسر جهان بخصوص در کشورهای در حال توسعه است. در همین راستا کودکان در معرض استثمار شدید به شکل کار سخت در ساعات طولانی برای حداقل درآمد هستند و شرایط کاری آنان نامناسب است و مانع رشد فکری و فیزیکی آنان می‌شود. کشور هندوستان بالاترین نرخ کار کودک را داراست؛ زیرا ۸۲ میلیون کودک در این کشور به مدرسه نمی‌روند و فقط اقلیتی از کودکان از تحصیلات کیفی برخوردارند. (پاترنویس، ۱۳۸۱، ش ۱۰، ص ۱ و ۲).

سؤالی که اینجا مطرح است این است که آیا جهانی سازی درصدد بهره‌گیری بیشتر از کار کودکان است یا واقعاً می‌خواهد آن را کاهش دهد؟ آیا عاقلانه است که فرض کنیم جهانی شدن در درآمدت پرمفعت خواهد بود؟ برآستی افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه و دستیابی وسیع‌تر به بازارهای جهانی برای فروش کالاهای ساخته شده توسط شرکت‌های خارجی یا داخلی در آن کشور باید در صادرات آن ترقی ایجاد نماید و مولد مشاغل مدرن باشد. در حالیکه در سال‌های اخیر شرکت‌های چند ملیتی شغل‌های نسبتاً اندکی را در کشورهای در حال توسعه تولید کرده‌اند و آنچه مسلم است، این است که هر چه تعداد کارگران بزرگسال بیشتری در بخش‌های غیرساختاری اقتصاد وارد شوند، ثبات شغلی و سودمندی بیشتری خواهند داشت. لذا کودکان خود را به کار نمی‌گمارند و آنها را به تحصیل وامی دارند. بنابراین کشورها باید از پذیرش اقدامات بنیادی نظیر اخراج ناگهانی و در مقیاس بالا، یا حذف ناگهانی شرکت‌های دولتی برای محصولات ضروری اجتناب کنند؛ زیرا چنین اقداماتی می‌تواند تعداد خانواده‌هایی را که در فقر مطلق بسر می‌برند، افزایش داده متعاقباً فرزندان آنها را نیز به فقر مطلق بکشاند و زمینه‌های گسترش فضای نامناسب برای مشاغل نادرست را در خانواده ایجاد کند (ملکی، ۱۳۸۱، ص ۸).

در نهایت علل و عوامل مهم اجتماعی را که در بروز پدیده کودکان خیابانی مؤثر است، می‌توان بدین شرح نام برد:

۱. عدم توزیع عادلانه ثروت در جامعه و وجود اختلاف شدید طبقاتی
 ۲. عدم سیاست‌گذاری دولت در زمینه کنترل جمعیت
 ۳. کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و سنت‌ها و بی‌تفاوتی شهروندان در برابر اشتغال کودکان
 ۴. مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ به دلیل بلایای طبیعی، فقر، فقدان امکانات شغلی^۱
 ۵. مهاجرت‌های بین‌المللی مثلاً ۵۵٪ کودکان خیابانی در زاهدان افغانی هستند.
 ۶. بالا بودن هزینه‌های تحصیلی
 ۷. عدم مشارکت دولت با مردم در کنترل و تحدید پدیده کودکان خیابانی
 ۸. جنگ یا اغتشاشات داخلی
 ۹. بی‌سوادی و کم‌سوادی تحصیلات والدین
 ۱۰. بی‌تفاوتی، ناآگاهی یا سختگیری‌های نادرست والدین
 ۱۱. جمعیت زیاد خانواده‌ها
 ۱۲. اعتیاد یا جدایی والدین
 ۱۳. تعارضات رفتاری افراد خانواده و درگیری‌ها
- . فقدان سیاست جنایی در مورد کودکان و کمبود مراکز مراقبت بعد از خروج از کانون‌ها.

وجود کودکان خیابانی از بیماری‌های اجتماعی عصر حاضر است که متأسفانه بر بسیاری از شهرها سایه افکنده است. آمارها نشان می‌دهد در کانادا نرخ خشونت به میزان ۷۷٪ بالاتر از یک دهه پیش شده و در میان افراد ۱۲ تا ۱۷ سال در سال‌های ۱۹۹۸ بیش از بزرگسالان بوده است.^۲

۱- بنا بر تحقیق یونیسف در ایران ۴۴٪ کودکان خیابانی در تهران از روستاها مهاجرت کرده‌اند.

۲- به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران گروه ایلنا: www.iranspiegel.de/page ۱-۲

کودکان خیابانی مانند میلیون‌ها کودک روی کره زمین دارای آمال و آرزوهایی هستند و همه خواهان یک زندگی آرام، بی‌دغدغه و بی‌دردسرنند.

ضرورت سرپرستی و نظارت بر آنان از طریق والدین، سازمان‌های دولتی و مراجع ذیصلاح می‌تواند عامل کاهنده ترویج پدیده کودکان خیابانی باشد. براساس پیمان جهانی^۱ حقوق کودک، در داخل خانواده کودکان می‌توانند به مناسب‌ترین روش ممکن از حقوق خود بهره‌مند گردند. لذا بند اول ماده ۹ و بند دوم ماده ۱۰ پیمان تأکید دارند که کشورهای طرف پیمان باید تضمین نمایند که کودکان علی‌رغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند؛ مگر در مواردی که بالاترین منافع را برای کودک داراست.

در حالیکه موضوع کودکان خیابانی در کشورها یکی از مسائل رایج در اخبار به‌شمار می‌رود، سؤال مهم اینجاست که کودک خیابانی کیست و تفاوت آن با کودک خیابانی چیست؟

کودکان خیابانی همانگونه که توضیح داده شد، شاغلان در خیابان هستند برای کسب درآمد معیشت؛ ولی کودکان خیابان در واقع خیابان برای آنها به منزله خانه است و مشکلات عدیده و پیچیده‌ای دارند. آنها در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند. این کودکان یا فاقد سرپرست هستند یا به دلیل مسائل مختلف، خیابان را امن‌تر از خانه می‌دانند. اکثر کارشناسان آسیب‌های اجتماعی، فقر و بی‌صلاحیتی را عوامل افزایش کودکان خیابانی می‌دانند. ۴۸٪ کودکان خیابانی شبها در محلی غیر از خانه پدری می‌خوابند و به گزارش خبرگزاری دانشجویان نتایج یک تحقیق علمی نشان می‌دهد فقر و سرگردانی و برخوردار نبودن از سرپرست مؤثرترین عوامل وجود کودکان خیابانی است. این عامل، آنها را در

۱- به نقل از متن سخنرانی خانم بنا ورشراگن Bea vershraegen فوق دکتراى حقوق مدنى و تطبیقى و عضو هیأت علمى انجمن حقوق تطبیقى اتریش. در خصوص پیمان جهانی حقوق کودک و قوانین www.irankids.com.Unicef

معرض اعمال خلاف قانون و شرع قرار می‌دهد. ورود سالانه ۱۵۰۰ مجرم نوجوان به کانون اصلاح و تربیت گواهی بر این قضیه است. براساس این تحقیق، افزایش کودکان خیابانی نشانگر تزلزل اخلاق و شالوده خانواده در جامعه است (Fill // A: / Gunagoon.htm.P. ۱).

در حال حاضر متأسفانه از هر ۱۰۰ کودکی که متولد می‌شود، ۳۰ کودک در پنج سال اول زندگی خود سوء تغذیه دارند و ۱۹ کودک به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. توجه به کودک به عنوان یکی از نزدیک‌ترین و پاک‌ترین موجودات به خداوند وظیفه همه انسان‌هاست. توجه به انسانی به نام کودک، توجه به حقوق انسانی انسان‌هایی است که در حال رشد و بالندگی هستند.^۱ اگر کودک حمایت نشود، طبیعی است که یا توان و انگیزه حمایت کردن ندارد، یا واکنش غیرحمایتی به اطرافش خواهد داشت. طبیعی است که آسیب‌زایی این کودک حمایت نشده بزرگ شده به مراتب بیشتر از جانوران و گیاهان است (Fill//A ۱: Hamshahri: Newspaper.htm.P.۱- LP). چون می‌تواند برنامه تخریبی اجرا نماید. کودکان خیابانی امروز در واقع همان کودکان حمایت نشده مطلق هستند که از همه برنامه‌های حمایتی و حقوق اجتماعی خود محرومند؛ آموزش، تربیت و از همه مهم‌تر حق حیات آرام از او سلب شده است. در حالیکه او به عنوان انسان دارای حق حیات توأم با رشد و فضیلت است. برنامه‌ریزی برای عملی کردن حقوق کودک در جامعه نیاز به آگاهی و شناخت همه مردم دارد. در این راه سازمان‌های غیردولتی پیشرو خواهند بود و به منابع و دانش لازم مجهز و در ترویج این حقوق در بین مردم همچنان تلاش خواهند کرد. بوجود آمدن مؤسسات خدماتی و حمایتی، و آماده‌باش و مجهز بودن همیشگی این مؤسسات به امکانات و بودجه کافی با هدف پیشگیری از عوارض، بلایای طبیعی و غیرطبیعی بسیار ضرورت دارد تا مشکلات آوارگی خانواده‌ها و در نهایت کودکان را برطرف نماید. وظیفه مسؤلان است که آگاهانه برای نهادینه کردن حقوق کودکان بدون هیچ قید و شرطی از حقوقشان دفاع کنند تا هیچ‌کس حق تجاوز به کودکان را به خود

۱- ماده ۶ کنوانسیون کودک: کودک دارای حق طبیعی زندگی است و دولت‌ها باید زندگی، بقا و رشد کودک را تضمین کنند.

ندهد. اضافه نمودن تبصره‌های مختلف به مواد اصلی حقوق کودک و مشروط گذاشتن آن نه تنها دردی از کودکان را دوا نمی‌کند، بلکه ناتوانی برخی قانونگذاران را از اجرای این حقوق در اذهان عمومی تداعی می‌کند.

آموزش اجباری نیز مانعی برای گسترش کودکان خیابانی است. تهران بین تمامی شهرها، ۳۱/۳٪ دارای بیشترین فراوانی کودکان خیابانی است و پس از آن خراسان با ۱۰/۴ درصد، لرستان ۷/۷٪، خوزستان ۶/۳٪ و کرمانشاه ۵/۱٪ دارا می‌باشند. کارشناسان حقوقی معتقدند مدرسه به منزله پلی است که نوجوان و کودک را با جامعه مربوط می‌کند. این نهاد با عملکرد خاص خود از کودکان افرادی مؤثر، فعال و مفید برای جامعه می‌سازد و این امر مرسوم نظام تعلیم و تربیت موفق است که توانسته باشد در امر پرورش نیروی انسانی به موقع و صحیح اقدام کند.

البته لازم به ذکر است که طرح آموزش اجباری کودکان در حالی می‌تواند عامل بازدارنده مؤثری در انتشار پدیده کودکان خیابانی باشد که براساس تقسیمات بعمل آمده جهت کودکان بی‌سرپرست، دولت و مراکز ذی‌صلاحی که سرپرستی و حمایت این کودکان را برعهده دارند، به امر تعلیم، تربیت و آموزش آنان مبادرت نمایند. این طرح در مورد گروه دوم کودکانی که بدلیل فقر خانوادگی ملزم به کار در خیابان هستند، زمانی می‌تواند عملی و قابل اجرا باشد که دولت، سازمان بهزیستی و مراکز خدمت‌رسانی به طبقات محروم جامعه، پس از بررسی وضعیت مالی و اجتماعی این خانواده‌ها یکایک اعضای خانواده بویژه کودکان ایشان را تحت پوشش بگیرند. البته هم اینک کمیته امداد حضرت امام درصدی از این خانواده‌ها را تحت پوشش دارد ولیکن وجود تعداد بی‌شمار خانواده‌هایی که زیرخط فقر هستند، یقیناً حمایت بیشتر دولت را می‌طلبد. آیا خانواده‌هایی که از تمکن مالی پایینی برخوردار هستند، سهم بیشتری را از منابع نفتی، کارخانه‌ها و ذخایر دولتی نباید داشته باشند؟ آیا در بودجه سالانه دولت، هزینه‌ای تحت عنوان حمایت از کودکان خیابانی تعریف شده است؟ به نظر می‌رسد تخصیص بودجه‌های دولتی و ملی به خانواده‌های محروم و ایجاد مشاغل جهت والدین و افراد بزرگسال خانواده این کودکان، بتنهایی کارساز نخواهد بود. رشد فکری و فرهنگی ملت ایران و دادن آموزش‌های صحیح

در مقاطع مختلف تحصیلی به کودکان، نوجوانان و والدین ایشان مبنی بر کمک روزانه و ماهانه به کودکان خیابانی و تبیین جایگاه این کودکان از وظایف آحاد ملت ایران و مراکز آموزشی - تربیتی است؛ زیرا اگر توجه مردم به این پدیده جلب شود و آنها بدانند که کودکان خیابانی هم مانند کودکان آنان باید در مدارس مشغول تحصیل و بازی‌های کودکان باشند تا زمینه رشد فکری فردای آنان پی‌ریزی شود، یقیناً کمر همت بر ریشه‌کن کردن این معضل خواهند بست.

براستی همه ما چه میزان در باروری فکری و آگاهی دادن به مردم در زمینه توجه به حل معضل این کودکان نموده‌ایم؟

آموزش صحیح اجتماعی، ترویج اخلاق دینی و انسانی، بیدار نگهداشتن وجدان انسانی همه و همه از جمله وظایف مراکز تربیتی و فرهنگی در رسانه‌ها می‌باشد.

توجه دقیق مسئولان اشتغال و کار در جامعه به نحوه استخدام کارگزاران و کارگران و اجرای دقیق مفاد قانون کار نیز می‌تواند عامل کاهنده این پدیده به شمار آید.

یکی از مهم‌ترین اقدامات برای پایان دادن به معضلات حقوقی، آموزشی و تربیتی کودکان خیابانی تعیین ارگانی جهت حمایت و سرپرستی آنهاست^۱. ثانیاً قرار دادن آموزش اجباری در سنین خاص می‌تواند مانع بزرگی در راه اشاعه این پدیده باشد. لازم به ذکر است که بعد از انقلاب اسلامی گام‌های ارزشمندی در راستای تحقق اهداف دین مبین اسلام مبنی بر تربیت کودک سالم در محیط سالم برداشته شده است. یکی از راه‌های جدیدی که مسئولان امر به نقل از خبرگزاری‌های ایران ایسنا نقل می‌کند، این است که سازمان بهزیستی در سه ماهه اول سال ۸۲ بیش از ۶ هزار کودک خیابانی شناسایی کرده و طرح ساماندهی کودکان خیابانی را برای ۲۰ هزار نفر برنامه‌ریزی نموده و مقرر کرده است که ماهیانه ۳۰ هزار تومان به خانواده‌های کودکان خیابانی پرداخت شود (WWW.iranspiegel.de, page ۱-LP).

۱- قریب ۳ ماه پیش شورای شهر تهران، شهرداری تهران را مسئول جمع‌آوری کودکان خیابانی و متکدیان کرد.

این در حالی است که حداقل درآمد کودکان خیابانی در ماه بطور متوسط ۶۰ هزار تومان است. البته بنا به گفته مدیرکل دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی بهزیستی این کمک هزینه تحصیلی کودکان خواهد بود که این امر بدون اجباری کردن آموزش کودکان عملی نخواهد شد، گرچه در کنار آن بسیار مؤثر است.

نکته مهم دیگر که در کنار پدیده کودکان خیابانی قابل طرح است، بررسی آثار ابعاد فقهی - حقوقی معاملات و اشتغال کودکان است. آیا دادوستد و معاملات کودکان صحت حقوقی دارد؟ بنابر اقوال برخی از فقها (شیخ انصاری، بی تا، ص ۱۱۴؛ نایینی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۶ - ۳۹۷) معاملات کودکان باطل است.

مرحوم آیت‌الله خویی نیز دستیاری در اموال را منوط به اهلیت لازم (رشد و بلوغ) می‌داند و در ذیل آیه شریفه «و ابتلوا الیتامی» در مصباح الفقیه می‌نویسد: خدای متعال در روا بودن دستیاری کودک به دارایی خود به‌گونه مستقل پس از اینکه بلوغ جنسی را معتبر دانسته، رشد را هم معتبر می‌داند. پس آیه کریمه دلالت دارد بر اینکه دستیاری‌های کودک بر اموال خود پیش از بلوغ جنسی نارواست، گرچه رشید هم باشد (خویی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۴۵). البته لازم به ذکر است که برخی از فقها بلوغ را شرط اساسی صحت عقود و معاملات می‌دانند و برخی رشد را هم عامل مهمی به شمار می‌آورند.

در بررسی آیه شریفه و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم (النساء، ۶). «یتیمان را بیازمایید تا زمانی که به مرحله بلوغ رسند و به ازدواج میل پیدا کنند. آنگاه اگر آنان را دانا و رشید به درک مصالح زندگی خود یافتید، اموالشان را به آنان باز دهید.» دیدگاه‌های متفاوتی در آرا و اندیشه‌های فقها و مفسران به چشم می‌خورد. مرحوم طبرسی در تبیین «حتی یبلغ اشد» می‌فرماید: حد و مرزی برای رسیدن به رشد نیست؛ بلکه اگر یتیم بالغ و عقل او کامل شود و رشد او آموخته گردد، مال به او بازگردانده می‌شود (طبرسی، ۱۹۸۰، ج ۴، ص ۳۸۴). مرحوم علامه طباطبایی نیز منظور از «بلوغ اشد» را بلوغ شرعی و رشد می‌داند؛ یعنی کودک در مال خود نمی‌تواند دست یازد، مگر به سن بلوغ شرعی و رشد برسد (طباطبایی، ۱۹۷۳، ج ۷، ص ۳۷۵-۳۷۶). صاحب حاشیه المکاسب نیز بلوغ را طریقی می‌داند برای آگاهی یافتن به رشد کودک؛ یعنی بلوغ اماره و نشانه است.

در موثقه ابی بصیر و ابو ایوب آمده که از حضرت صادق علیه السلام درباره وصیت پسر دو ساله پرسش شد. حضرت فرمود: اذا اصاب موضع الوصیه جاز «هر گاه در جایگاه وصیت کردن قرار گرفته باشد، وصیت او صحیح است.» (ایروانی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۷). میرزای نایینی نیز کودک را محجور کامل می‌داند؛ لذا در جبهه مخالف توانایی کودک در دست یازی به اموال خود قرار می‌گیرد (نایینی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۶-۳۹۷). همانگونه که ذکر شد مرحوم آیت الله خوئی نیز این تصرف در اموال را منوط به تحقق بلوغ و رشد می‌داند (الموسوی الخویی، ۱۴۰۳، ص ۲۴۵). حضرت امام خمینی (ره) نیز در کتاب «البیع» خود (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵-۸) ضمن برشمردن آراء دیگران عقیده خود را در خصوص محجوریت کودک چنین ابراز می‌نمایند: روایات ذیل این مسأله دو قسم هستند:

الف - روایاتی که تأیید کننده آیه شریفه هستند؛ مانند روایت اصبح بن نباته از علی علیه السلام: انه قضی ان یحجر علی الغلام المفسد حتی یعقل (الحرالعالمی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۱۴۲). از این روایت بر می‌آید که حجر به وسیله رشد برطرف می‌شود و غلام رشید محجور نیست. ب - روایاتی که ناظر بر آیه نیستند؛ مانند حدیث «رفع القلم» که حضرت علی علیه السلام خطاب به عمر می‌فرمایند: اما عملت ان القلم یرفع عن ثلاثه؟ عن الصبی حتی یحتلم و عن المجنون حتی یفیک و عن النائم حتی یسقیظ (محدث نوری، ۱۳۵۶، ج ۱۰، باب ۳).

با استفاده از آنچه در آرای فقها و اندیشمندان در خصوص معاملات و تصرفات مالی کودک به دست می‌آید، سه نظر عمده وجود دارد: ۱- کودک رشید نابالغ حق تصرف استقلالی در اموال خود را ندارد ۲- ملاک دست یازی و استقلال کودک در دارایی خود رشید بودن اوست چه به بلوغ جنسی برسد، و چه نرسد. ۳- کودک مانند محجور کامل است و تصرف او در امور مالی و معاملات نافذ نیست.

به هر حال در اینکه معاملات کودکان و دادوستد آنها به دلیل عدم اشراف علمی - اجتماعی به جوانب اقتصادی خالی از اشکال نیست، شکی نداریم و همانگونه که متذکر شدم مدرسه مهمترین ابزار برای دور کردن کودکان از بازار کار است. باید بدانیم نان‌آوران کوچک، کودکان خیابانی نیستند و جامعه باید تدابیری را به لحاظ امنیتی اقتصادی برای تأمین حقوق حقه این افراد طراحی نماید.

البته تحریم معاملات کودکان، وضعیت اقتصادی آنها و خانواده‌هایشان را نه تنها بهبود نخواهد بخشید، بلکه بدتر نیز می‌کند؛ لذا باید تمامی کارگاه‌ها - مراکز دولتی و خصوصی تحت نظر بازرسان دولتی کنترل شوند. زیرا بسیاری از این کودکان بصورت فراری در خیابان کار نمی‌کنند، بلکه تحت چتر حمایتی کاذب فرد یا افرادی هستند که از آنها سودجویی می‌نمایند. در انتهای مقاله به اختصار راهکارهای پیشنهادی خود را ارائه می‌نمایم:

۱- ترویج طرح ضربتی آموزش اجباری کودکان همراه با چتر حمایت مالی و غیرمالی دولت و مراجع ذی‌صلاح

۲- تخصیص هزینه‌ها در بودجه سالانه دولت به منظور کمک مالی به خانواده‌های محروم جامعه

۳- تدوین و تبیین ضوابط و قوانین قاطع و قابل اجرا جهت جمع‌آوری این کودکان و به منزله جرم بودن بکار گماردن و اشتغال آنان

۴- برخورد جدی و قانونی با مخاطبان نقض قوانین حقوقی کشور بخصوص افرادی که کودکان را به اجبار اشتغال در خیابان‌ها وامی‌دارند.

۵- ترویج و نشر مفاهیم و مبانی اخلاق دینی در رعایت حقوق حقه آحاد جامعه بویژه کودکان و حمایت‌های مردمی و خانواده‌ها در طرح اکرام کودکان خیابانی تعیین مسؤل و مرجع ذی‌صلاح و توانمند جهت جمع‌آوری و حمایت از کودکان خیابانی

جلوگیری از مهاجرت‌ها بویژه مهاجرت کودکان از روستاها به شهرهای بزرگ. این امر در ترمینال‌ها و مراکز سیاحتی و مسافری نیز قابل کنترل است.

ترویج فرهنگ عدم معامله با کودکان در سطح جامعه
برخورد جدی و قانونی شهرداری و محاکم قضایی با متخلفان در سطح شهر بویژه مناطق دارای تجمع کودکان خیابانی

نصب صندوق‌های خیریه در مدارس و مراکز تحصیلی به منظور جلب حمایت مالی کودکان و نوجوانان در کمک به همسالان بی‌بضاعت خود

آنچه تبیین شد، علل و عوامل ایجاد پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن بود که متأسفانه تاکنون در مراجع حقوقی و تربیتی با دقت نظر به آن توجه نشده است. امید آن داریم که توجه بیشتری بدان عنایت گردد.

- افتخاری، جواد، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دی‌ماه ۱۳۴۷
- انصاری، شیخ مرتضی، تبریز، چاپ رحلی، تک جلدی، بی‌تا
- ایروانی، محمد، قم، دار المعرفه، ۱۳۷۰
- برینک، باربارا، ترجمه نگین عبدالله زاده، تهران، نشر یونیسف، ۱۹۹۷م
- پاترینوس، هری آنتونی، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳
- پاترینوس، هری آنتونی، به نقل از نشریه کار، ش ۱۰، ۱۳۸۱
- الحر العاملی، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳
- دوانلو، علیرضا، به نقل از نشریه خراسان مورخه ۸۱/۳/۱
- رحیمی یگانه، زهرا، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸
- صلاحی، جاوید، تهران، نشر گوتنبرگ، ۱۳۵۴
- الطباطبایی، سید محمد حسین، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۷۳م
- الطبرسی، امین الاسلام، بیروت، احیاء التراث، ۱۹۸۰م
- عبادی، شیرین، نشر کانون، پاییز ۱۳۷۵

- محدث نوری، میرزا حسین، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۶
- محمودی، عطاء الله، تهران، کانون اصلاح و تربیت، پاییز ۱۳۷۷
- الموسوی الخمینی، روح الله، نجف، مطبعه الآداب، ۱۳۸۷ هـ
- الموسوی الخوئی، ابوالقاسم، قم، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ، ج ۳
- مهدوی، بیبا، ()
- تهران، مندرج در روزنامه انتخاب ۸۱/۹/۱۳
- میرزای نایینی، (تقریرات درسی) گردآوری محمد تقی آملی، قم، بیبا، ۱۳۶۹

➤ Sorelle, Ruth- Chronicle, Honston, Children, Houston, "Children of the street", ۱۹۹۷

پایگاه‌های اینترنتی:

- [www. Ghadeer.org](http://www.Ghadeer.org)
- www.ghest.com
- [www.hamshahri. Net/hamnews/۱۳۸۲](http://www.hamshahri.Net/hamnews/۱۳۸۲)
- www.iranjudiciary.org
- www.irankids.com/unicef
- www.iranspiegel.de
- www.iranvagahan.net
- www.iranwomen.org/mag/shora/۱۶
- www.irrcs.org

➤ www.shabab.org



شېرشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی